



Volume 7, Issue 2, 2026

The Effect of Political Risk on Unemployment and Entrepreneurship: Evidence from Selected Countries

Alireza Afrasiabi^{*1} Shahrzad Ahmadi²

1. Department of Theoretical Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

(Corresponding Author) Email: a.f.kelose@gmail.com

2. Department of Accounting, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 74-87

Corresponding Author's Info

Email:

a.f.kelose@gmail.com

Keywords:

*Political Risk, Unemployment
Rate, Entrepreneurship,
Developed Countries.*

ABSTRACT

In today's era, high economic growth is recognized as a crucial tool for achieving sustainable development in countries. In this regard, political instability acts as a major obstacle to the economic development and growth of societies. The unemployment rate is a fundamental issue in national economies, where increasing employment and reducing unemployment are key indicators of a nation's development. Consequently, entrepreneurial activities and business formation are essential for employment growth and unemployment reduction. The present study aims to investigate the impact of political risk on the unemployment rate and entrepreneurship. This research examines the effect of political risk on unemployment and entrepreneurship rates in 30 developed and developing countries over the period from 2010 to 2022, utilizing the panel data method and Eviews software. The results indicate that political risk has a significant positive effect on the unemployment rate and a significant negative effect on entrepreneurship in both studied groups. Specifically, an increase in political risk leads to a higher unemployment rate in the studied countries, with a more pronounced impact in developing countries compared to developed ones. Furthermore, rising political risk results in a decreased entrepreneurship rate across both developed and developing nations. These findings highlight that a stable political and institutional environment is a fundamental prerequisite for the success of economic policies. Therefore, mitigating political risk and fostering stability can create a conducive environment for attracting investors, promoting entrepreneurship, and ultimately reducing the unemployment rate.



This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Afrasiabi, A. and Ahmadi S. (2026). The Effect of Political Risk on Unemployment and Entrepreneurship: Evidence from Selected Countries. (e252725). Management, Economics and Entrepreneurship Studies, 7(2): 74-87. doi: 10.22034/jmek.2025.461009.1136



فصلنامه مطالعات مدیریت، اقتصاد و کارآفرینی

فصلنامه مطالعات مدیریت، اقتصاد و کارآفرینی

www.JMEK.ir

دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵

تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری و کارآفرینی در کشورهای منتخب

علیرضا افراسیابی^{۱*} شهرزاد احمدی^۲

۱. گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

در عصر حاضر، رشد اقتصادی به عنوان ابزاری برای دستیابی به توسعه پایدار، از اهداف مهم کشورهاست. در این راستا، بی ثباتی سیاسی مانعی بزرگ برای توسعه و رشد اقتصادی جوامع محسوب می شود. نرخ بیکاری یکی از موضوعات اساسی در اقتصاد ملت ها است و کاهش آن از شاخص های توسعه یافتگی است. فعالیت های کارآفرینی و تشکیل کسب و کارها برای رشد اشتغال و کاهش بیکاری ضروری است. مطالعه حاضر با هدف اصلی بررسی تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری و کارآفرینی انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، همبستگی است. جامعه آماری شامل ۳۰ کشور توسعه یافته و در حال توسعه در طی دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ می باشد که با استفاده از روش داده های پانل و با بهره گیری از نرم افزار ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری تأثیر مثبت و معنادار و بر کارآفرینی تأثیر منفی و معنادار در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دارد. بدین معنا که با افزایش ریسک سیاسی، نرخ بیکاری افزایش می یابد که این تأثیر در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. همچنین، افزایش ریسک سیاسی منجر به کاهش نرخ کارآفرینی در هر دو گروه می گردد. یافته ها حاکی از آن است که محیط نهادی و ثبات سیاسی، پیش شرط اصلی برای موفقیت سیاست های اقتصادی است؛ بنابراین، کاهش ریسک سیاسی و ایجاد ثبات، بستر مناسبی برای جذب سرمایه گذاران، رونق کارآفرینی و در نهایت کاهش نرخ بیکاری فراهم می آورد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۴-۸۷

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل:

a.f.kelose@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

ریسک سیاسی، نرخ بیکاری، کارآفرینی، کشورهای توسعه یافته.



۱- مقدمه

مطالعات توسعه به‌طور گسترده بیان داشته‌اند که بی‌ثباتی سیاسی یکی از موانع جدی و اساسی در مسیر رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشورها محسوب می‌شود. در این راستا، سطوح بالاتر بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی نه تنها موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌گردد، بلکه زمینه‌ساز تورم و بروز مشکلات متعدد دیگر در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی خواهد شد (انصاری سامانی و همکاران، ۱۴۰۱). محیط سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد کلیدی چارچوب نهادی هر جامعه، نقشی بسیار تعیین‌کننده در عملکرد اقتصادی ملت‌ها ایفا می‌نماید. ثبات سیاسی با کاهش ریسک و نااطمینانی، موجب افزایش اعتماد عمومی، گسترش ارتباطات و تعاملات سازنده میان بنگاه‌ها و آحاد مردم، برپایی نهادهای کارآمد و افزایش امنیت دارایی‌ها می‌شود. باتوجه به این موارد، ثبات سیاسی به‌عنوان اولین شالوده و پایگاه اصلی برای فعالیت‌های مولد و نوآوری‌هایی شناخته می‌شود که به‌جای حرکت در مسیر جریان عادی، جهش‌های اقتصادی را ممکن می‌سازند (زبیری، ۱۳۹۶).

در عصر حاضر، دستیابی به رشد اقتصادی و اشتغال پایدار از اهداف اصلی و راهبردی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورها به شمار می‌رود. از این‌رو، بسیاری از تحقیقات در پی تعیین تأثیرگذارترین متغیرها بر رشد اقتصادی بوده‌اند تا از این طریق بتوانند سیاست‌های اقتصادی مناسب‌تری را طراحی نمایند. در پژوهش‌های صورت‌گرفته در سال‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به متغیرهای کیفی مانند فساد (سیسیلیک و گزک، ۲۰۱۸)، توزیع درآمد (نئوس و همکاران، ۲۰۱۶) و کیفیت نهادها (گالیندو و همکاران، ۲۰۲۰) و همچنین متغیرهای کمی شامل سرمایه انسانی (کاپلر اس و همکاران، ۲۰۱۹) و مخارج دولتی (دوی و همکاران، ۲۰۱۸) معطوف شده است. در کنار این متغیرها، بحث کارآفرینی به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار و پیشران در رشد اقتصادی موردتوجه فراوان قرار گرفته است

(استویکا و همکاران، ۲۰۲۰؛ کاو و شی، ۲۰۲۱). با این وجود، تحقیقات نشان داده‌اند که نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی باتوجه به محیط کسب‌وکار، به‌ویژه وضعیت اشتغال و نرخ بیکاری، می‌تواند متفاوت باشد (اوربانو و همکاران، ۲۰۲۰؛ آپاریسیو و همکاران، ۲۰۱۶). در سال‌های پیشین، ایجاد کسب‌وکارهای نوپا و فعالیت‌های کارآفرینانه به یک منبع حیاتی در رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی برای توسعه مناطق تبدیل شده است (استام و وان، ۲۰۲۱). بنابراین، اهمیت و نقش کارآفرینی بر عملکرد اقتصادی کشورها امری انکارنشده است و می‌تواند موتور محرکه توسعه باشد.

در ادبیات اقتصادی، اگرچه ایجاد شغل به‌طور مستقیم از وظایف ذاتی دولت تلقی نمی‌شود، اما ایجاد فضایی که در آن عملکرد فعالان بازار به‌طور آزادانه و کارآفرینان بتوانند باعث رونق بازار و کاهش بیکاری گردند، از وظایف بنیادین و حاکمیتی دولت است (انصاری سامانی و خیل‌کردی، ۱۳۹۹). به‌طور معمول، اشتغال افرادی که به سن کار می‌رسند، یک الزام سیاسی و اجتماعی مهم محسوب می‌شود؛ زیرا اشتغال نوعی معرف و مجوز برای زندگی مستقل و باکرامت است و بیکاری می‌تواند منجر به انحراف، سرخوردگی افراد و حتی بروز بحران‌های عمیق سیاسی و اجتماعی گردد. به همین علت، اقتصاددانان اشتغال کامل را مهم‌ترین هدف اقتصادی در کنار رشد مداوم اقتصادی، ثبات سطح قیمت‌ها و موازنه تراز پرداخت‌ها می‌دانند (اسپتین و همکاران، ۲۰۱۷؛ انصاری سامانی و خیل‌کردی، ۱۳۹۹).

بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران، یکی از معضلات اصلی و چالش‌برانگیز اقتصاد کشور، مسئله بیکاری است که نیازمند توجه ویژه است. همچنین، بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۲۰)، ایران در میان ۱۸۵ کشور دنیا در زمینه سهولت ایجاد کسب‌وکار رتبه ۱۲۷ را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده چالش‌های موجود در محیط کسب‌وکار است. از آنجایی که نرخ بیکاری و کارآفرینی دو متغیر بسیار مهم و

هستند. شاخص ریسک سیاسی شامل ۱۲ متغیر مناقشات خارجی، مناقشات داخلی، نمایه سرمایه‌گذاری، ثبات دولت، شرایط اقتصادی و اجتماعی، فساد، پاسخگویی دموکراتیک، تنش‌های قومی، تنش‌های مذهبی، نظامی‌گری، حاکمیت قانون و کیفیت بروکراسی است که وزن این شاخص بین ۰ تا ۵۰ است (انصاری سامانی و همکاران، ۱۴۰۰). افزایش ریسک سیاسی به دلیل تأثیراتی منفی آن بر پیش‌بینی‌پذیر بودن محیط سیاسی و فضای کسب‌وکار باعث گسترش نااطمینانی در فعالیتهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌شود (رضاقلی‌زاده و رجب‌پور، ۱۴۰۰).

۲-۲. ریسک سیاسی و رشد اقتصادی

محیط سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد چارچوب نهادی کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی ملت‌ها ایفا می‌کند. وجود ثبات سیاسی مقدمه ضروری و لازم به‌منظور رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی است و کشورهای با ثبات سیاسی بالاتر، از قدرت خلق ثروت برخوردار هستند (دوتا و همکاران، ۲۰۱۳). ثبات سیاسی ریسک نااطمینانی را کاهش داده و باعث افزایش ارتباطات، اعتماد و تعاملات میان بنگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌گردد (رضاقلی‌زاده و رجب‌پور، ۱۴۰۰). بی‌ثباتی سیاسی باتوجه‌به شدت و نوع آن حاکی از وجود نوسان و نابسامانی در عرصه مدیریت یک کشور است که نمی‌تواند چارچوب باثبات و مناسب را برای بهبود بهره‌وری، رشد و اعتلای اقتصادی فراهم آورد. در این راستا باید اذعان نمود که بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند تغییرهای قابل‌ملاحظه‌ای را بر هزینه‌های عمومی دولت در قالب هزینه‌های امنیتی، نظامی و انتظامی ایجاد نماید (کازرونی و همکاران، ۱۳۹۸). در شکل (۱) رشد اقتصادی را در جهان در طی دوره ۱۹۶۱ تا ۲۰۲۲ نشان داده‌شده است.



کلیدی در اقتصاد کلان هستند، همواره موردتوجه ویژه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده‌اند. در این جهت، بررسی عوامل مؤثر بر این متغیرها از اهمیت و ضرورت بسیاری برخوردار است. یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار بر این دو متغیر که ابعاد آن نیازمند واکاوی دقیق‌تر است، ریسک سیاسی است. باتوجه‌به مطالب بیان‌شده و شکاف موجود در ادبیات موضوع، هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی رابطه و تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری، خوداشتغالی، کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارها در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه است.

۲. چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. ریسک سیاسی

ریسک سیاسی ریسکی است که بازده سرمایه‌گذاری در نتیجه تغییرات سیاسی یا بی‌ثباتی در یک کشور متحمل می‌شود. بی‌ثباتی که بر بازده سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد، می‌تواند ناشی از تغییر در دولت، نهادهای قانون‌گذاری، سایر سیاست‌گذاران خارجی یا کنترل نظامی باشد. ریسک سیاسی به‌عنوان “ریسک ژئوپلیتیک” نیز شناخته می‌شود و با طولانی‌تر شدن افق زمانی سرمایه‌گذاری به یک عامل بیشتر تبدیل می‌شود. آنها نوعی ریسک حوزه قضایی در نظر گرفته می‌شوند (کشاورز و همکاران، ۱۴۰۲). شاخص‌های راهنمای ریسک بین‌المللی کشوری یک شاخص ترکیبی به نام ریسک مرکب وجود دارد که سه گروه عوامل سیاسی، مالی و اقتصادی را که شامل ۲۲ متغیر هستند، دربرمی‌گیرد. این شاخص معیاری برای سطح امنیت سرمایه‌گذاری است. ریسک سیاسی یک پدیده بسیار پیچیده و چندبعدی است به‌طوری‌که ارزیابی دقیق آن دشوار و مدیریت آن به‌شدت چالش‌برانگیز است. ریسک سیاسی یعنی این احتمال که نیروهای سیاسی در یک جامعه معین بر سودآوری و یا کوشش شرکت‌های چندملیتی برای رسیدن به اهداف دیگر خویش کارشکنی کرده، بر آن‌ها تأثیر منفی بگذارند. جنگ‌ها، درگیری‌های داخلی و حملات تروریستی خارجی همگی موجد بی‌ثباتی سیاسی

شکل ۱- رشد اقتصادی جهان در دوره ۱۹۶۱-۲۰۲۲ (منبع: مستخرج از دیده بان بانک جهانی)

۳-۲. کارآفرینی

هیچ تعریف پذیرفته شده جهانی از کارآفرینی در دسترس نمی باشد و برخی کارآفرینی را به عنوان ایجاد کسب و کار نوپا، خلاقانه و نوآورانه تعریف کرده اند (روگوف، ۲۰۰۸) و برخی دیگر از اقتصاددانان به سادگی آن را با خوداشتغالی یکی می دانند (دوتا، سوبل و روی، ۲۰۱۳). کارآفرینی و خوداشتغالی یکی از محورهای توسعه درونزا، تولید اشتغال گسترده و پایدار و ایجادکننده اقتصادی مقاوم و پویاست (اوربن و اپراکیو، ۲۰۱۶). کارآفرینی در طی سالهای اخیر نه تنها به عنوان یک اولویت سیاست و استراتژی به منظور رشد اقتصادی (ادرتش، ۲۰۱۸؛ پیرا و ادکویا، ۲۰۲۰)، بلکه به عنوان موتور ایجاد اشتغال و فقرزدایی مطرح شده است. به عبارت دیگر ادبیات موجود در این زمینه ثابت نموده اند که کارآفرینی تضمین کننده رفاه، بهره‌وری و کارایی اقتصادی است (گومز و همکاران، ۲۰۲۲). در مطالعه گوئل و نلسون (۲۰۲۳) بیان شده که با در نظر گرفتن دموکراسی‌های کلی کارآفرینان تثبیت شده تقویت می شوند و این امر بر کارآفرینی نوپا تأثیر ندارد. یکی دیگر از یافته‌های مهم آن در رابطه با تأثیرات مثبت دموکراسی‌های مرزی بر کارآفرینی در یک کشور است. اهمیت نقش نهادها در رابطه بین کارآفرینی و ریسک سیاسی و رشد اقتصادی تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. نتایج آنها بیانگر این امر است که کیفیت نهادی عاملی برای تشویق کارآفرینی مولد و مانعی برای کارآفرینی غیرمولد است که به نوبه خود منجر به رشد اقتصادی بالاتر می شود. نهادهای حامی بازار منجر به افزایش نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه می شود و افزایش این متغیر بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است (اوربانو و آلوارز، ۲۰۱۴). همچنین فعالیت‌های کارآفرینی بسته به میزان کیفیت نهادی در جامعه می تواند اثرات متفاوت بر اقتصاد داشته باشد؛ لذا از این بینش می توان درک و توضیح اینکه چرا فعالیت‌های کارآفرینی در

برخی کشورها سبب تقویت رشد اقتصادی شده ولی در برخی کشورهای دیگر باعث ترغیب رشد اقتصادی نشده است، استفاده کرد (زمانی و همکاران، ۱۴۰۰).

۳-۴. کارآفرینی و رشد اقتصادی

نظریه رشد اقتصاددانان کلاسیک، به ویژه اسمیت، ریکاردو، و مالتوس و همچنین نظریه رشد مارکس تأکید بر درونزا بودن رشد اقتصادی داشتند. هرچند از نظر آنها عوامل سرمایه، نیروی کار و زمین در یک محیط رقابتی، محور رشد اقتصادی به حساب می آمد؛ ولی آنها از نقش نهادها و سرمایه انسانی غافل نبودند (برنارهم و همکاران، ۲۰۱۰). از منظر ارتباط متقابل بین کارآفرینی و رشد اقتصادی، چهار مکتب فکری مختلف وجود دارد. اولین مکتب فکری، فرضیه طرفداران عرضه (دیدگاه سمت عرضه) است. این مکتب فکری مدعی است که کارآفرینی علت رشد اقتصادی است (از طرفداران این مکتب می توان به اوربانو و آپاراسیو، ۲۰۱۶؛ میلان و همکاران، ۲۰۱۴ اشاره نمود). دومین مکتب فکری فرضیه طرفداران سمت تقاضا است. طرفداران این فرضیه بر این عقید استوارند که رشد اقتصادی علت کارآفرینی است (از طرفداران این فرضیه می توان به کاستانو و همکاران، ۲۰۱۵ اشاره کرد). سومین مکتب فکری دیدگاه فرضیه بازخورد است که طرفداران آن ادعا دارند کارآفرین و رشد اقتصادی باعث ایجاد و تقویت یکدیگر می گردند (هاگینر و همکاران، ۲۰۱۵ از طرفداران مکتب فکری فرضیه بازخورد هستند). آخرین مکتب فکری، فرضیه بی طرف است که طرفداران آن بیان می دارند کارآفرینی و رشد اقتصادی ارتباطی با هم ندارند (از طرفداران مکتب بی طرف می توان به بوون و دی کلرک، ۲۰۰۸ اشاره کرد). شومپیتر کارآفرینی را مولد رشد اقتصادی دانسته و به اعتقاد او مجموعه نوآوری‌ها و ابداعاتی است به اقتصاد انرژی جدیدی برای موفقیت و رشد بیشتر می دهد. نقش کارآفرینی در نظریه شومپیتر تخصیص مجدد منابع با برهم زدن تعادل های موجود است که به این دلیل به نظریه تخریب خلاق معروف

خالق را رونق و اعتبار می‌بخشند. بخشی از نتایج مثبت این روند عبارت است از بالاتر رفتن رفاه و استانداردهای زندگی، تولیدات جدید و کاهش ساعات کاری در اثر افزایش بهره‌وری (کرینیستا و همکاران، ۲۰۱۹). با این حال، یک پیامد منفی نیز دارد؛ زیرا هزینه ورودی منابع برای همه شرکت‌های موجود را افزایش می‌دهد. به همین ترتیب، روند تخریب تأثیر منفی دارد؛ زیرا منجر به تعطیلی شرکت‌های قدیمی می‌شود و منابع به سمت شرکت‌های موجود می‌روند. با این وجود، این روند تأثیر مثبت هم دارد؛ زیرا منجر به کاهش رشد قیمت اکتورهای منابع می‌شود که به نوبه خود باعث سودآوری بیشتر شرکت‌های موجود می‌شود (هافمن، ۲۰۱۹).

۲-۲. نرخ بیکاری

بیکاری جوانان یک چالش بزرگ پیش روی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان است. نرخ جهانی بیکاری جوانان در سال ۲۰۲۳ در مقایسه با سال ۲۰۱۹، ۵.۹ درصد تخمین زده شده است (ارنست و همکاران، ۲۰۲۳). در شکل (۲) نرخ بیکاری ایران در طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۴ ارائه شده است. باتوجه به این شکل نوسانات نزولی نرخ بیکاری در سال‌های اخیر بسیار حائز توجه است.



شکل ۲- نرخ بیکاری ایران در طی دوره ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۴ (منبع: مستخرج از دیده بان بانک جهانی)

به لحاظ نظری اقتصاددانان معتقدند که با افزایش تولید و رونق اقتصادی نرخ بیکاری با کاهش همراه بود و در این راستا بررسی رابطه بین نرخ بیکاری و سایر متغیرهای کلان اقتصادی باعث اتخاذ سیاست‌های اثرگذارتر و کارا تر خواهد شد. یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر نرخ بیکاری و اشتغال ریسک سیاسی است که در مقاله حاضر اثر این متغیر مورد بررسی قرار گرفته است.

شده است. یو (۱۹۹۸) بیان نموده که اهداف موردنظر شومپتر در شرایط عدم تعادل و ایجاد بی‌ثباتی تحقیق خواهد یافت. بامول نیز همانند شومپتر با دید نوآوری کارآفرینی را بررسی نموده به اعتقاد او کارآفرینان از قوه ابتکار و خلاقیت در یافتن روش‌ها برخوردارند که باعث افزایش دارایی، قدرت و اعتبار می‌گردد (بامول، ۱۹۹۰). از آنجایی که بامول و اقتصاددانان از دو دیدگاه دارابودن کسب‌وکار و ابتکارات کارآفرینی را بررسی کرده‌اند که اولی نشان‌دهنده کارآفرینی غیرمولد و دومی بیانگر کارآفرینی مولد است و دلیل تفاوت آنها در سهم کارآفرینی در فعالیت‌های مولد یا غیرمولد است. در دیدگاه مولد کارآفرینی فرایند شناسایی فرصت‌های اقتصادی، ایجاد کسب‌وکار جدید، نوآور و رشد یابنده به منظور بهره‌برداری از فرصت‌ها شناسایی شده دانسته شده که در نتیجه آن کالا و خدمات جدیدی به جامعه عرضه می‌گردد (بامول، ۱۹۹۰).

۲-۵. نظریه تخریب خلاق

اصطلاح تخریب خالق را اولین بار دانشمند اتریشی جوزف شومپتر در کتاب خود با عنوان "کاپیتالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی (۱۹۴۲) معرفی نمود که به توفان شومپتری هم معروف است. او تخریب خالق را برای ایجاد و رشد بازار الزام دانسته و باور داشت که ساختارهای کهنه اقتصاد از درون و به وسیله جهش صنعتی، دگرگون شده و ساختارهای نوینی جای آنها را می‌گیرند (کرینیست و همکاران، ۲۰۱۹). در نظریه شومپتر، کارآفرین عامل ناآرامی و جهش دایمی است. اگرچه از بین رفتن برخی از مشاغل، نابود شدن برخی از بنگاه‌ها یا برخی از صنایع بخشی از الزامات شناخته شده توفان شومپتری هستند (ژینگا و شریف، ۲۰۲۰). از نظر شومپتر، میل به سود نیروی محرکه در وضعیت اقتصادی است که با ازدست‌دادن توانایی رقابت، شرکت‌های آواره برای تولید نوآوری‌های دیگر سوق داده می‌شوند، بنابراین این چرخه "تخریب خلاق" را تداوم می‌بخشند (میچل و همکاران، ۲۰۱۳). منافع در کنار این تحولات عاید اقتصادهایی می‌گردد که عملکرد تخریب

برای کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، بی‌ثباتی سیاسی عاملی بازدارنده برای رشد اقتصادی است.

۳. روش تحقیق

متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) مورد ارزیابی قرار گرفتند که با استفاده از روش پانل دیتا با وارد کردن عامل زمان می‌توان پویایی میان متغیرها را تفسیر نمود. شکل کلی مدل مورد نظر در این تحقیق به صورت زیر است:

$$Y_{it} = \alpha Y_{it-1} + \beta X_{it} + \mu_t + u_{it}$$

که در آن X_{it} بردار متغیر مستقل، Y_{it} بردار متغیر وابسته μ_t عامل خطا مربوط به مقاطع و u_{it} عامل خطای مقاطع α م در زمان t می‌باشد. گشتاور تعمیم‌یافته یکی از روش‌های برآورد پارامترهای مدل در رهیافت داده‌های تابلویی پویا بوده که برای داده‌های سری زمانی، مقطعی و داده‌های تابلویی قابل استفاده می‌باشد. این روش اثرات تعدیل پویای متغیر وابسته را در نظر می‌گیرد. هنگامیکه در مدل داده‌های تلفیقی، متغیر وابسته به صورت وقفه در طرف راست ظاهر می‌شود دیگر، برآوردهای OLS سازگار نیست (بالتاجی، ۱۹۹۵) و باید به روش گشتاور تعمیم‌یافته روی آورد. تحقیقات نشان دادند که برآورد ممکن است به علت مشکل در انتخاب ابزارها، واریانس-های بزرگ برای ضرایب نشان دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنادار نباشند (ماتیاس و سوستر، ۱۹۹۵)؛ لذا روش GMM به منظور حل این مشکل توسط آرنالو و باند پیشنهاد شد که از طریق کاهش تورش نمونه، پایدار تخمین را بهبود می‌بخشد (آرنالو و باند، ۱۹۹۱).

مدل مورد استفاده در تحقیق حاضر به صورت زیر است:

$$UR_{it} = C + \beta_1 UR_{it-1} + \beta_2 \log (PR)_{it} + \beta_3 \log (TEA)_{it} + \beta_4 \log (SER)_{it} + \beta_5 \log (GDP)_{it} + \beta_6 \log (NF)_{it} + \beta_7 \log (GINI)_{it} + \beta_8 \log (POP)_{it} + u_i$$

$$TEA_{it} = C + \beta_1 TEA_{it-1} + \beta_2 \log (PR)_{it} + \beta_3 \log (UR)_{it} + \beta_4 \log (SER)_{it} +$$

سپیدپر و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای اثر شاخص کارآفرینی بر اشتغال را در استان‌های ایران با رهیافت اقتصادسنجی فضایی مورد تحلیل قرار دادند. نتایج آنها نشان داد شاخص کارآفرینی و اثرات مجاورت آن تأثیر مثبتی بر افزایش میزان اشتغال در استان‌های کشور دارد. همچنین متغیر تولید ناخالص داخلی تأثیری مثبت و معنادار بر افزایش اشتغال در استان‌های کشور داشت. بدراق نژاد و همکاران (۱۴۰۱) رابطه بین کارآفرینی، رشد اقتصادی و اشتغال را به صورت رویکرد خودرگرسیون برداری پانل بررسی کردند. نتایج آنها نشان از تأثیر مثبت و معنادار کارآفرینی با یک دوره وقفه بر اشتغال داشت. رشد اقتصادی نیز افزایش نرخ اشتغال را با یک دوره تأخیر به همراه داشت. در تحقیق دیگری انصاری سامانی و خیل کردی (۱۳۹۹) تأثیر بیکاری بر ثبات سیاسی ایران در طی دوره ۱۳۶۴-۱۳۹۴ را بررسی کردند. نتایج نشان داد که در بلندمدت دو متغیر نرخ بیکاری و ضریب جینی رابطه منفی و معناداری با ثبات سیاسی دارند. زو و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی کارآفرینی یا اشتغال؟ اهداف کارآفرینی پایدار دانشجویان را بررسی کردند. نتایج آنها نشان داد که دانشجویانی که آموزش کارآفرینی دیده‌اند بیشتر بر کارآفرینی پافشاری دارند. چاودهری و همکاران (۲۰۱۹) نیز در تحقیقی مؤسسات و کیفیت کارآفرینی را بررسی کردند. نتایج آنها نشان می‌دهد که کیفیت کارآفرینی برای مؤسسات هر دو کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته مهم هستند و باین حال در بعد کمیت کارآفرینی، همه مؤسسات نقش مشابهی ندارند. بلکه یک رابطه پویا بین نهادها و توسعه اقتصادی وجود دارد. در تحقیق دیگری اوپوسونجر و همکاران (۲۰۱۸) اثر محیط سیاسی را بر توسعه کارآفرینی در کسب‌وکارهای کوچک مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها حاکی از این بود که محیط سیاسی برای توسعه کارآفرینی در آبوجا مهم هستند. اودین و همکاران (۲۰۱۷) اثر ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی را در ۱۲۰ کشور در حال توسعه در مورد بررسی قرار داد. نتایج آنها نشان داد که

آماره آزمون F	۳۷۸/۵۲۳	۳۵۴/۱۳۵
لیمر		
احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

قبل از انجام هرگونه تحلیلی باید مانایی متغیرهای مورد بررسی انجام گیرد. در این راستا در وهله اول باید آزمون‌های وابستگی مقطعی انجام گیرد تا بر اساس آن بتوان آزمون ریشه واحد را انتخاب نمود. نتایج آزمون CD پسران (۲۰۰۳) به‌منظور بررسی وجود وابستگی مقطعی در جدول (۲) نشان‌داده شده است. در این آزمون فرض صفر نبود وابستگی مقطعی در متغیرهای مورد بررسی است که بر اساس نتایج نمایان گردید که بین متغیرهای مورد بررسی وابستگی مقطعی وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود.

جدول ۲- نتایج آزمون CD و پسران (۲۰۰۳)

عنوان	کشورهای توسعه‌یافته	کشورهای در حال توسعه
آماره آزمون	۱/۹۲۴	۱/۶۸۲
احتمال	۰/۱۱۰۳	۰/۱۰۲۴
نتیجه	وجود وابستگی مقطعی	وجود وابستگی مقطعی

منبع: یافته‌های پژوهش

باتوجه به نتایج جدول (۲) و اثبات وابستگی مقطعی در مدل از آزمون‌هایی مانند ADF، LLC و IPS به‌منظور بررسی مانایی داده‌های پانل استفاده نمود. در این تحقیق از دیکی فولر تعمیم‌یافته که نتایج آن در جدول (۳) آمده است، به‌منظور بررسی مانایی داده‌ها استفاده شد. باتوجه به نتایج این آزمون می‌توان دریافت که تمامی متغیرهای مورد بررسی با یکبار تفاضل‌گیری مانا شدند.

جدول ۳- نتایج آزمون ریشه واحد

کشورهای توسعه یافته			کشورهای در حال توسعه		
عنوان	آماره دیکی فولر در سطح	آماره دیکی فولر با یک تفاضل	آماره دیکی فولر در سطح	آماره دیکی فولر با یک تفاضل	احتمال
UR	-۱/۸۵۱	-۲/۲۳۹	-۱/۷۵۱	-۲/۱۲۵	۰/۰۰۰
INF	-۲/۸۲۳	-۵/۳۹۱	-۲/۷۵۰	-۵/۳۳۸	۰/۰۰۰
SER	-۲/۲۲۶	-۲/۹۸۸	-۱/۲۲۷	-۲/۱۸۲	۰/۰۰۰
PR	-۲/۲۸۲	-۲/۱۵۸	-۲/۱۰۲	-۲/۵۵۵	۰/۰۰۰
GDP	-۱/۷۵۶	-۲/۵۳۹	-۱/۵۵۰	-۲/۱۸۱	۰/۰۰۰
TEA	-۱/۳۸۶	-۲/۵۱۲	-۱/۱۲۸	-۲/۲۲۶	۰/۰۰۰
GINI	-۱/۳۱۵	-۲/۲۲۲	-۱/۳۲۸	-۲/۵۲۲	۰/۰۰۰
POP	-۲/۲۸۷	-۲/۵۸۶	-۲/۱۸۱	-۲/۲۲۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۴) و (۵) نتایج آزمون مدل‌سازی GMM برای تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری و کارآفرینی در کشورهای

$$\beta_5 \log(GDP)_{it} + \beta_6 \log(NF)_{it} + \beta_7 \log(GINI)_{it} + \beta_8 \log(POP)_{it} + u_i$$

در مدل‌های فوق: UR نرخ بیکاری، TEA کارآفرینی، $\log(SER)_{it}$ لگاریتم ریسک سیاسی، $\log(NF)_{it}$ خوداشتغالی، $\log(GDP)_{it}$ لگاریتم رشد اقتصادی، $\log(GINI)_{it}$ لگاریتم نرخ تورم سالانه، $\log(GINI)_{it}$ لگاریتم ضریب جینی، $\log(POP)_{it}$ لگاریتم نرخ رشد جمعیت، UR_{it-1} نرخ بیکاری با وقفه یک، TEA_{it-1} نرخ کارآفرینی با وقفه یک، i بیانگر کشور و t بیانگر سال است. در این مطالعه تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری و کارآفرینی در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه در دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری از ۱۵ کشور توسعه‌یافته و ۱۵ کشور در حال توسعه تشکیل شده است. انتخاب این کشورها بر اساس اطلاعات در دسترس آنها بود. متغیر وابسته در این تحقیق ریسک سیاسی و متغیرهای مستقل نرخ بیکاری و نرخ کارآفرینی بودند. بر اساس مطالعات گذشته یکسری متغیرهای کنترلی نیز در این تحقیق در نظر گرفته شد که شامل خوداشتغالی، رشد اقتصادی، تورم سالانه، ضریب جینی، نرخ رشد جمعیت بودند. داده‌های مربوط به کارآفرینی از وبسایت دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) و سایر داده‌های مربوط به رشد اقتصادی، بیکاری و اشتغال از ناگر توسعه جهانی (WDI) بانک جهانی استخراج گردید.

۴. یافته‌ها

ابتدا از آزمون F لیمر به‌منظور بررسی مدل اثرات ثابت از مدل داده‌های ترکیبی انجام گرفت. در جدول (۱) نتایج آزمون F لیمر ارائه شده است که باتوجه به آن برآورد مدل به‌صورت روش پانل دیتا مناسب است.

جدول ۱- نتایج آزمون F لیمر

نوع آزمون	کشورهای توسعه‌یافته	کشورهای در حال توسعه
-----------	---------------------	----------------------

توسعه یافته و در حال توسعه ارائه شده است. بر اساس آن برحسب سطح توسعه یافتگی کشورها تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری و کارآفرینی متفاوت است. بر اساس آزمون تشخیصی سارگان در انتهای جدول‌ها این مفهوم که ابزارهای مورد استفاده در مدل از اعتبار مناسبی برخوردار هستند، برداشت می‌گردد.

جدول ۴- نتایج تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

متغیر	کشورهای توسعه یافته		کشورهای در حال توسعه	
	ضریب (انحراف معیار)	آماره t	ضریب (انحراف معیار)	آماره t
C	۰/۲۸۸* (۰/۲۱۵)	۱/۵۸۹	۰/۱۲۶ (۰/۲۵۳)	۱/۸۹۲
Log (UR)(-1)	۰/۷۵۱* (۰/۲۳۶)	۶/۷۱۳	-۰/۵۴۸* (۰/۳۱۷)	-۵/۵۵۲
Log (PR)	۰/۲۳۳* (۰/۱۳۸)	۵/۵۷۶	-۰/۶۸۵* (۰/۳۳۴)	-۷/۳۱۸
Log (TEA)	۰/۱۸۹* (۰/۱۱۳)	-۶/۰۸۹	۰/۳۴۱* (۰/۱۱۳)	-۴/۵۶۳
Log (GDP)	۰/۰۷۹* (۰/۰۳۲)	-۷/۱۵۳	۰/۰۵۷* (۰/۰۱۵)	-۴/۰۵۲
Log (NF)	۰/۰۵۸* (۰/۰۳۶)	۴/۱۸۶	۰/۰۰۳ (۰/۰۹۸)	۶/۵۴۳
Log (SER)	۰/۰۹۹* (۰/۰۰۹)	-۲/۵۱۶	۰/۰۸۶* (۰/۰۷۷)	-۷/۳۶۴
Log (GINI)	۰/۰۴۳* (۰/۰۱۸)	۱/۲۸۱	۰/۰۶۵* (۰/۰۲۸)	۲/۵۲۹
Log (POP)	۰/۰۰۷* (۰/۰۱۲)	۱/۸۵۳	۰/۰۴۱* (۰/۰۱۷)	-۲/۲۴۳
Prob (J-statistic)	۰/۸۷۵		۰/۹۱۶	
Durbin-Watson stat	۱/۴۵۳		۱/۴۸۲	

منبع: یافته‌های پژوهش

*نشان از معنادار بودن ضرایب در سطح احتمال ۵ درصد است.

باتوجه به جدول‌های (۴) و (۵) بررسی ضرایب به لحاظ آماری نشان می‌دهد که تمامی ضرایب مدل در سطح احتمال ۵ درصد معنادار بوده که این امر بیانگر تأثیرگذاری معنادار متغیرهای مورد بررسی بر نرخ بیکاری در دوره مورد مطالعه است. مقدار آماره دوربین-واتسون برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب برابر با ۱/۴۵۳ و ۱/۴۸۲ و برای کارآفرینی به ترتیب برابر با ۱/۴۱۱ و ۱/۴۷۵ بود که این مقادیر به ۲ نزدیک بوده و بیانگر مناسب بودن مدل به واقعیت و عدم خودهمبستگی در مدل است. خطای اندازه گیری آماره سارگان (J-Statistic) مهم ترین شاخص در تخمین به روش GMM است که مقدار آن در هر دو گروه مورد مطالعه برای تخمین نرخ بیکاری و کارآفرینی بالاتر از ۰/۰۵ برآورد گردید، بدین معنی که ابزارهای مورد استفاده در مدل از اعتبار مناسبی برخوردارند. نتایج جدول (۴) نشان داد که متغیرهای ریسک سیاسی، تورم سالانه و ضریب جینی در هر دو گروه مورد مطالعه (کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه) تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ بیکاری داشتند. به طوری که با افزایش ریسک سیاسی، نرخ تورم سالانه

و ضریب جینی نرخ بیکاری نیز افزایش خواهد یافت. البته قابل توجه است که مقدار ضریب این متغیرها در کشورهای در حال توسعه بیشتر بوده که این امر بیانگر وجود نرخ‌های بالاتر ریسک سیاسی، تورم سالانه و ضریب جینی در این گونه کشورهاست. به طور ویژه بالاتر بودن شاخص ریسک سیاسی در کشورهای در حال توسعه در نتیجه ناآرامی‌ها و نااطمینانی سیاسی منجر به افزایش نرخ بیکاری می‌گردد. متغیرهای نرخ کارآفرینی، رشد اقتصادی و نرخ خوداشتغالی بر نرخ بیکاری تأثیر منفی و معنادار داشتند این امر بدین معنی است که با افزایش نرخ کارآفرینی، رشد اقتصادی و نرخ خوداشتغالی شاهد کاهش نرخ بیکاری در هر دو گروه مورد مطالعه خواهیم بود. متغیر رشد جمعیت بر نرخ بیکاری در کشورهای توسعه یافته تأثیر منفی معنادار و در کشورهای در حال توسعه تأثیر مثبت و معنادار دارد که از این جمله می‌توان چنین برداشت کرد که با افزایش جمعیت در کشورهای توسعه یافته نرخ بیکاری کاهش یافته و در کشورهای در حال توسعه با افزایش جمعیت نرخ بیکار افزایش پیدا خواهد کرد.

نتایج جدول (۵) بیانگر این امر است که متغیرهای ریسک سیاسی و نرخ تورم سالانه در هر دو کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر نرخ کارآفرینی تأثیر منفی معنادار دارند بدین معنی که با افزایش ریسک سیاسی و نرخ تورم سالانه در هر دو گروه مورد مطالعه نرخ کارآفرینی کاهش خواهد یافت. همچنین، رشد اقتصادی، نرخ خوداشتغالی در کشورهای توسعه یافته بر نرخ کارآفرینی تأثیر مثبت و معنادار داشته و افزایش این متغیرها موجب افزایش کارآفرینی می‌شود. در کشورهای در حال توسعه بین نرخ بیکاری و ضریب جینی با کارآفرینی رابطه منفی و معنادار و در کشورهای توسعه یافته این متغیرها با کارآفرینی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در این راستا می‌توان بیان داشت که در کشورهای توسعه یافته با افزایش نرخ بیکاری و ضریب جینی که منجر به نابرابری درآمد می‌گردد به نوعی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی

ضرورت ایجاد کارآفرینی را با ایجاد فرصتهایی برای کارآفرینان ایجاد نموده و به گونه‌ای محرک برای دولت‌های کشورهای توسعه‌یافته است. در کشورهای درحال توسعه نرخ خوداشتغالی نیز همراه با نرخ بیکاری و ضریب جینی بر کارآفرینی تأثیر منفی داشته که این امر احتمالاً به علت ایجاد کارآفرینی غیرمولد و خوداشتغالی غیرمولد در این گونه کشورهاست. از این نتایج می‌توان دریافت که با افزایش متغیرهایی مانند نرخ بیکاری و ضریب جینی نرخ کارآفرینی در کشورهای درحال توسعه کاهش و در کشورهای توسعه‌یافته افزایش خواهد یافت. همچنین یافته‌ها حاکی از تأثیر بی‌معنی و مثبت رشد جمعیت بر کارآفرینی بود.

جدول ۵- نتایج تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ کارآفرینی در کشورهای

توسعه‌یافته و درحال توسعه

متغیر	کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه
	ضرایب (انحراف معیار) آماره F خطای اندازه گیری	ضرایب (انحراف معیار) آماره F خطای اندازه گیری
C	۱/۵۱۳* (-۰/۲۸۶) ۱/۶۲۷	۱/۵۴ (-۰/۲۱۴) ۱/۷۳
Log (TEA)(-1)	۶/۱۷۳ (-۰/۲۵۷) ۶/۱۷۳*	۵/۸۶۷ (-۰/۲۹۴) ۵/۸۶۷*
Log (PR)	۴/۲۶۷ (-۰/۲۳۳) ۴/۲۶۷*	۶/۳۷۸ (-۰/۱۲۲) ۶/۳۷۸*
Log (UR)	۴/۲۴۹ (-۰/۲۵) ۴/۲۴۹*	۴/۸۳ (-۰/۲۶۳) ۴/۸۳*
Log (GDP)	۷/۰۵۴ (-۰/۲۷۷) ۷/۰۵۴*	۴/۰۵۲ (-۰/۱۶۵) ۴/۰۵۲*
Log (NF)	۴/۵۳۰ (-۰/۱۷۷) ۴/۵۳۰*	۷/۱۴۹ (-۰/۳۷۷) ۷/۱۴۹*
Log (SER)	۴/۵۸۶ (-۰/۱۲۹) ۴/۵۸۶*	۷/۶۵۵ (-۰/۱۴۴) ۷/۶۵۵*
Log (GINI)	۱/۰۲۱ (-۰/۲۳۱) ۱/۰۲۱*	۲/۶۸۹ (-۰/۲۳۸) ۲/۶۸۹*
Log (POP)	۱/۲۵۳ (-۰/۱۰۵) ۱/۲۵۳*	۲/۲۵۳ (-۰/۱۰۹) ۲/۲۵۳*
Prob (J-statistic)	۰/۳۱	۰/۸۴۴
Durbin-Watson stat	۱/۴۱۱	۱/۴۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر باهدف اصلی بررسی تأثیر ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری و کارآفرینی در کشورهای منتخب صورت پذیرفت. در این راستا کشورهای منتخب در دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه تقسیم شدند که انتخاب این کشورها با موجود بودن داده‌های مورد مطالعه از این کشورها ارتباط داشت. نتایج آزمون F لیمر نشان داد که فرض صفر رد شده و روش داده-های پانلی مورد قبول واقع گردید. به‌طور کلی نتایج این تحقیق نشان داد که شاخص ریسک سیاسی بر نرخ بیکاری تأثیر مثبت و معنادار و بر نرخ کارآفرینی تأثیر منفی و معنادار در کشورهای هر دو گروه توسعه‌یافته و درحال توسعه دارد. البته تأثیرگذاری این متغیر در کشورهای درحال توسعه بسیار بیشتر از کشورهای

توسعه‌یافته بود که دلیل آن را می‌توان به وجود ناآرامی‌های سیاسی و نااطمینانی سیاسی در کشورهای درحال توسعه ارتباط داد. کشورهای درحال توسعه در زمینه‌ی کارآفرینی و کاهش نرخ بیکاری با موانع و چالش‌های فراوانی روبرو هستند که یکی از مهم‌ترین این موانع سیاست‌های اتخاذ شده در این زمینه بوده که روند توسعه و ظهور یک کسب‌وکار را با چالش مواجه می‌کند. همچنین در این نوع کشورها یک سری کارآفرینی‌های غیرمولد نیز ایجاد می‌گردد که بر کاهش نرخ بیکاری یا رشد اقتصادی تأثیر مثبتی ندارد. یافته‌ها حاکی از این امر بود که متغیرهای تورم، ضریب جینی و رشد جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته و در کشورهای درحال توسعه در متغیرهای تورم و ضریب جینی بر نرخ بیکاری تأثیر مثبت و معنادار بود. متغیرهای رشد اقتصادی، نرخ خوداشتغالی و رشد جمعیت در کشورهای درحال توسعه و در کشورهای توسعه‌یافته رشد اقتصادی و نرخ خوداشتغالی بر نرخ بیکاری تأثیر منفی و معنادار داشتند. برای تخمین تأثیر متغیرهای مورد بررسی بر نرخ کارآفرینی نیز مشخص شد که در هر دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه شاخص ریسک سیاسی و نرخ تورم بر کارآفرینی تأثیر منفی و معنادار داشتند و با افزایش این دو متغیر نرخ کارآفرینی کاهش یافت. همچنین، در هر دو گروه کشورها رشد اقتصادی، نرخ خوداشتغالی و نرخ رشد جمعیت بر کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای نوپا تأثیر مثبتی داشتند که در زمینه رشد اقتصادی و خوداشتغالی این تأثیر معنادار و در زمینه نرخ رشد جمعیتی تأثیر بی‌معنی بود. در این راستا می‌تواند این گونه بیان نمود که با افزایش رشد اقتصادی و سرانه تولید ناخالص کارآفرینان ترغیب به ایجاد کسب‌وکار می‌شوند همچنین با افزایش رشد اقتصادی می‌توان انتظار خوداشتغالی را نیز داشت که این امر به نوبه خود منجر به افزایش نرخ کارآفرینی می‌گردد. کارآفرینی در توسعه کشور بسیار حائز اهمیت است مخصوصاً در جوامع درحال توسعه اهمیت این امر دوچندان می‌گردد؛ لذا ایجاد و اجرای بسترها و سیاست‌های

تغییرات را اثبات و علت‌ها را بررسی کند و بسیار کاربردی باشد. به‌طور کلی باید گفت کشورهایی که ریسک سیاسی آنها کاهش می‌یابد (ایمن‌تر می‌شوند) و آسیب کمتری در تبادلات تجاری خود دارند و میزان اشتغال و کارآفرینی آن‌ها رشد کرده و سرمایه‌گذاری در آن کشور افزایش می‌یابد.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاق در پژوهش، همچنین امانت‌داری علمی در استفاده از منابع، استنادها و ارجاعات موردتوجه قرار گرفته و رعایت شده است.

تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند که تدوین و انتشار این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش و تدوین مقاله به‌صورت مشترک و با مشارکت برابر تمامی نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی: بدین‌وسیله از تمامی افرادی که در تهیه و تکمیل این مقاله همکاری و مساعدت داشته‌اند، قدردانی می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت یا تأمین مالی انجام شده است.

فهرست منابع

- انصاری سامانی، حبیب، و خیل‌کردی، ربابه. (۱۳۹۹). تأثیر بیکاری بر ثبات سیاسی ایران (۱۳۹۴-۱۳۶۴). *فصلنامه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و توسعه*، ۱(۱)، ۱۷۶-۱۵۱.
- انصاری سامانی، حبیب، نامداری، سیمین، و محمودی، زهرا. (۱۴۰۱). تأثیر ریسک اقتصادی، سیاسی و مالی بر فرار سرمایه: رهیافت پانل پویا. *اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۶(۱)، ۹۷-۱۲۷.
- بدرارق‌نژاد، علی، محمدی‌خیاهو، محسن، و ادبی‌فیروزجاه، باقر. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین کارآفرینی، رشد اقتصادی و اشتغال: رویکرد خودرگرسیون برداری پانل. *مدل‌سازی اقتصادسنجی*، ۱(۱۷)، ۱۲۳-۱۵۳.

حمایتی در زمینه کارآفرینی می‌تواند کارآفرینان را ترغیب به ایجاد کسب‌وکار نموده و با ایجاد اشتغال در کشور منجر به کاهش نرخ بیکاری شود. البته در این جهت باید اذعان نمود که ریسک سیاسی به‌عنوان یک متغیر بسیار تأثیرگذار مطرح است که در کشورهای با ثبات سیاسی شاهد سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه ایجاد کسب‌وکار و کارآفرینی بوده‌ایم. در کشورهایی که ثبات سیاسی در سطح پایین بوده و ریسک سیاسی افزایش داشته در زمینه ایجاد اشتغال و سرمایه‌گذاری در این حوزه با چالش‌ها و موانع بسیاری روبرو هستیم. در زمینه تأثیرگذاری ریسک سیاسی و نااطمینانی سیاسی بر بیکاری و کارآفرینی مطالعاتی صورت پذیرفته است که نشان داده‌اند که افزایش نااطمینانی سیاسی در خصوص سیاست‌های پولی، مالی و درآمدی منجر به افزایش نرخ بیکاری شده و کاهش نرخ کارآفرینی را نیز به همراه دارند. همچنین یافته‌های سایر محققان نشان داد که ریسک سیاسی بر فرصت کارآفرینی تأثیر منفی و معنادار و بر ضرورت آن تأثیر مثبت معنادار داشته است. باتوجه‌به مطالب بیان شده می‌توان به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور پیشنهاد نمود که با رفع ناآرامی‌ها و کاهش ریسک سیاسی و تنظیم سیاست‌های داخلی و خارجی در راستای کاهش ریسک سیاسی بستر مناسبی را برای ایجاد اشتغال‌های مولد ایجاد نمود تا سرمایه‌گذاران و کارآفرینان به کشور جذب شوند. همچنین در زمینه کارآفرینی و اهمیت آن در توسعه کشور و کاهش نرخ بیکاری پیشنهاد می‌شود با آموزش صحیح در دانشگاه‌ها و مراکز دیگر زمینه توسعه این متغیر و فرهنگ‌سازی کارآفرینی فراهم شود.

چشم‌انداز تحقیقاتی: باتوجه‌به حادثه‌های روز و ریسک‌های سیاسی و تنش‌ها در قرن جدید می‌توان گفت جهان دچار تغییرات شدیدی از نظر سیاسی و اقتصادی و تورم و بیکاری شده است که زندگی و شرایط بقا را سخت کرده است. این تحقیق می‌تواند باتوجه‌به تحلیل و نتایج خود این

Baptista, R., & Thurik, A. R. (2007). *The relationship between entrepreneurship and unemployment: Is Portugal an outlier? Technological Forecasting and Social Change*, 74(1), 75-89.
<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2006.01.002>

Baumol, W. J. (1990). *Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive. Journal of Political Economy*, 98(5), 893-921.
<https://doi.org/10.1086/261712>

Cao, Z., & Shi, X. (2021). *A systematic literature review of entrepreneurial ecosystems in advanced and emerging economies. Small Business Economics*, 57, 75-110.
<https://doi.org/10.1007/s11187-020-00446-3>

Capelleras, J. L., Contin-Pilart, I., Larraza-Kintana, M., & Martin-Sanchez, V. (2019). *Entrepreneurs' human capital and growth aspirations: The moderating role of regional entrepreneurial culture. Small Business Economics*, 52, 3-25.
<https://doi.org/10.1007/s11187-017-9942-9>

Carayannis, E. G., Acikdilli, G., & Ziemnowicz, C. (2020). *Creative destruction in international trade: Insights from the quadruple and quintuple innovation helix models. Journal of the Knowledge Economy*, 11(4), 1489-1508.
<https://doi.org/10.1007/s13132-019-00617-0>

Chowdhury, F., Audretsch, D. B., & Belitski, M. (2019). *Institutions and entrepreneurship quality. Entrepreneurship Theory and Practice*, 43(1), 51-81.
<https://doi.org/10.1177/1042258718784298>

رضاقلی زاده، مهدیه، و رجب پور، حسنی. (۱۴۰۰). استرس مالی، ریسک سیاسی و رشد اقتصادی: شواهد جدیدی از ایران. رشد و توسعه اقتصادی، ۱۲(۴۵)، ۷۴-۵۹.

زبیری، هدی. (۱۳۹۶). ریسک سیاسی، نهادها و کارآفرینی. فصلنامه اقتصاد مقداری، ۱۴(۱)، ۲۰۶-۱۷۳.

سپیدپر، زهرا، محمدزاده، یوسف، و نیک پی پسیان، وحید. (۱۴۰۳). تحلیل اثر شاخص کارآفرینی بر اشتغال در استان های ایران: رهیافت اقتصادسنجی فضایی. پژوهش های اقتصادی، ۲۴(۱)، ۲۸۳-۳۰۹.

کازرونی، علیرضا، اصغریور، حسین، و نفیسی مقدم، مریم. (۱۳۹۸). بررسی اثر ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد رگرسیون کوانتایل. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۹(۳۱)، ۵۸-۳۹.

کشاوری، هادی، حسین زاده، رمضان، و قرنچیک، معصومه. (۱۴۰۱). تأثیر ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی بر رشد اقتصادی: شواهدی از اقتصاد ایران. راهبرد اقتصادی، ۱۱(۳)، ۸۵-۱۱۰.

Aparicio, S., Urbano, D., & Audretsch, D. (2016). *Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: Panel data evidence. Technological Forecasting and Social Change*, 102, 45-61.
<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2015.07.006>

Audretsch, D. B. (2018). *Entrepreneurship, economic growth, and geography. Oxford Review of Economic Policy*, 34(4), 637-651.
<https://doi.org/10.1093/oxrep/gry013>

Audretsch, D. B., Carree, M. A., Thurik, R., & van Stel, A. J. (2005). *Does self-employment reduce unemployment? Journal of Business Venturing*, 20(5), 673-686.
<https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2004.08.002>

Baltagi, B. H. (2008). *Econometric analysis of panel data (4th ed.)*. Wiley. 16.

- entrepreneurial conditions on economic growth: Evidence from OECD countries. Economies*, 10(7), 163. <https://doi.org/10.3390/economies10070163>
- Huffman, G. W. (2020). An analysis of the importance of both destruction and creation to economic growth. *Journal of Monetary Economics*, 116, 166-183. <https://doi.org/10.1016/j.jmoneco.2020.09.002>
- Mitchell, C. J. (2013). Creative destruction or creative enhancement? Understanding the transformation of rural spaces. *Journal of Rural Studies*, 32, 375-387. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2013.08.002>
- Neves, P. C., Afonso, Ó., & Silva, S. T. (2016). A meta-analytic reassessment of the effects of inequality on growth. *World Development*, 78, 386-400. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2015.10.038>
- Peprah, A. A., & Adekoya, A. F. (2020). Entrepreneurship and economic growth in developing countries: Evidence from Africa. *Business Strategy & Development*, 3(3), 388-394. <https://doi.org/10.1002/bsd2.106>
- Rogoff, E. G. (2008). Office of Academic Affairs.
- Stam, E., & Van de Ven, A. (2021). Entrepreneurial ecosystem elements. *Small Business Economics*, 56(2), 809-832. <https://doi.org/10.1007/s11187-019-00270-6>
- Stoica, O., Roman, A., & Rusu, V. D. (2020). The nexus between entrepreneurship and economic growth: A comparative analysis on groups of countries. *Sustainability*, 12(3), 1186. <https://doi.org/10.3390/su12031186>
- Cieřlik, A., & Goczek, Ł. (2018). Control of corruption, international investment, and economic growth—Evidence from panel data. *World Development*, 103, 323-335. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2017.10.017>
- Dewi, S., Majid, M. S. A., & Kassim, S. (2018). Dynamics of financial development, economic growth, and poverty alleviation: The Indonesian experience. *South East European Journal of Economics and Business*, 13(1), 17-30. <https://doi.org/10.2478/jeb-2018-0002>
- Dutta, N., Sobel, R. S., & Roy, S. (2013). Entrepreneurship and political risk. *Journal of Entrepreneurship and Public Policy*, 2(2), 130-143. <https://doi.org/10.1108/JEPP-03-2013-0015>
- Epstein, B., Finkelstein Shapiro, A., & Gomez, A. (2017). Financial disruptions and the cyclical upgrading of labor (IMF Working Paper No. WP/17/131). International Monetary Fund. <https://doi.org/10.5089/9781484303603.001>
- Galindo-Martín, M. Á., Castaño-Martínez, M. S., & Méndez-Picazo, M. T. (2021). The role of entrepreneurship in different economic phases. *Journal of Business Research*, 122, 171-179. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2020.08.030>
- Goel, R. K., & Nelson, M. A. (2023). Which political regimes foster entrepreneurship? An international examination. *The Journal of Technology Transfer*, 48(1), 126-146. <https://doi.org/10.1007/s10961-022-09915-1>
- Gomes, S., Ferreira, J., Lopes, J. M., & Farinha, L. (2022). The impacts of the

- Uddin, M. A., Ali, M. H., & Masih, M. (2017). Political stability and growth: An application of dynamic GMM and quantile regression. *Economic Modelling*, 64, 610-625. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2017.03.024>
- Urbano, D., & Aparicio, S. (2016). Entrepreneurship capital types and economic growth: International evidence. *Technological Forecasting and Social Change*, 102, 34-44. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2015.07.014>
- Urbano, D., Audretsch, D., Aparicio, S., & Noguera, M. (2020). Does entrepreneurial activity matter for economic growth in developing countries? The role of the institutional environment. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 16(3), 1065-1099. <https://doi.org/10.1007/s11365-019-00616-2>
- Xing, J. L., & Sharif, N. (2020). From creative destruction to creative appropriation: A comprehensive framework. *Research Policy*, 49(7), 104060. <https://doi.org/10.1016/j.respol.2020.104060>
- Yu, T. F. L. (1998). Adaptive entrepreneurship and the economic development of Hong Kong. *World Development*, 26(5), 897-911. [https://doi.org/10.1016/S0305-750X\(98\)00029-6](https://doi.org/10.1016/S0305-750X(98)00029-6)
- Zhu, R., Zhao, G., Long, Z., Huang, Y., & Huang, Z. (2022). Entrepreneurship or employment? A survey of college students' sustainable entrepreneurial intentions. *Sustainability*, 14(9), 5466. <https://doi.org/10.3390/su14095466>